



نگارش و دستور زبان فارسی

ویژه‌ی زبان آموزان غیرایرانی

سطح پیشرفته

منیژه گله‌داری

مدرس مرکز آموزش زبان فارسی
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

نگارش و دستور زبان فارسی

ویژه‌ی زبان آموزان غیرایرانی

سطح پیشرفته

منیژه گله‌داری

مدرس مرکز آموزش زبان فارسی

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

رسانه‌های نوزاد، نوجوان و جوان

رسانه‌های نوجوان، نوجوانان و جوانان

مفاهیم و روش‌ها

نگارش و دستور زبان فارسی

نویسنده: منیژه گله‌داری

امور فنی:

تاریخ انتشار: ۸۸ - نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۳۵۷۷-۹

رده بندی دیویی: ۴۴۸/۲۴

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ن ۸ گ PIR۲۸۲۷/۱

شماره کتاب شناسی ملی: ۱۷۵۱۲۵۴

مشخصات ظاهری: ۲۴۹ ص: مصور، جدول، نمودار

موضوع: فارسی - کتاب‌های درسی برای خارجیان

قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال

نشانی:

فهرست

IX مقدمه ۷۱۱

۱ بخش اول: نگارش ۷۱۱

۳ درس اول: جمله‌ی موضوعی ۵۲۱

۱۱ درس دوم: تفاوت نوشتار و گفتار ۷۲۱

۱۹ درس سوم: بازنویسی متن ۱۲۱

۲۹ درس چهارم: خلاصه‌نویسی ۱۲۱

۳۵ درس پنجم: گسترده‌نویسی ۱۲۱

۳۷ درس ششم: مراحل انجام کار ۱۲۱

۴۷ درس هفتم: زندگینامه ۱۲۱

۵۳ درس هشتم: علت و معلول ۱۲۱

۶۱ درس نهم: متن روایی ۱۲۱

شرطی.....	۱۸۹
نقل قول.....	۱۹۳
سببی.....	۱۹۷
نکته‌های دستوری.....	۲۰۱
تمرین‌های متنوع.....	۲۲۴
منابع.....	۲۳۷

درس دهم: توصیف.....	۶۵
درس یازدهم: گزارش‌نویسی.....	۷۵
درس دوازدهم: مقایسه و تقابل.....	۷۹
درس سیزدهم: تعریف.....	۹۷
درس چهاردهم: نامه‌های رسمی.....	۱۰۱
درس پانزدهم: نامه‌های غیررسمی.....	۱۱۱
درس شانزدهم: شرح نمودار و جدول.....	۱۱۷
درس هفدهم: نشانه‌گذاری.....	۱۲۳
آزمون ۱.....	۱۲۵
آزمون ۲.....	۱۲۷
آزمون ۳.....	۱۳۱
آزمون ۴.....	۱۳۳
آزمون ۵.....	۱۳۷
بخش دوم: مروری بر دستور زبان فارسی.....	۱۴۱
زمان‌های فعل.....	۱۴۳
کلمات ربط.....	۱۶۹
مجهول.....	۱۸۳

مقدمه

نوشتن یکی از مهارت‌های تولیدی زبان است که در مقایسه با سایر مهارت‌ها برای زبان‌آموزان دشوارتر است. برای افرادی که زبان را برای استفاده در موقعیتهای رسمی یاد می‌گیرند نوشتن از اهمیت بسیاری برخوردار است. هدف این کتاب تقویت مهارت نوشتاری زبان‌آموزان است؛ اما آنچه از آنها انتظار می‌رود نوشتن متن ادبی و یا برخورداری از هنرنویسندگی نیست، بلکه هدف این است که زبان‌آموزان بتوانند افکار، عقاید و نظرات خود را در زمینه‌های مختلف به طور شفاف و کامل و در قالب صورتهای زبانی مناسب بیان کنند. برقراری ارتباط کامل و اطلاع‌رسانی درست از یک طرف و استفاده از صورتهای دستوری، واژگانی و ساختاری مناسب از طرف دیگر نکته‌های قابل توجه در نگارش هستند.

این کتاب شامل دو بخش نگارش و دستور است. تمرکز اصلی کتاب بر بخش نگارش است. در این بخش سعی شده تا با ارائه‌ی نمونه از قالبهای نوشتاری مختلف و بیان ساختارهای دستوری رایج در این قالبها، زبان‌آموزان در جهت تقویت مهارت نوشتاریشان هدایت شوند. در بخش دستور نیز ضمن مرور تمامی مباحث دستوری، نکته‌های مربوط به هر مبحث بیان می‌شود به گونه‌ای که می‌تواند به عنوان منبع نسبتاً کاملی نیازهای دستوری زبان‌آموزان را بر طرف سازد. بخش نگارش شامل ۱۷ درس است که همراه با بخش دستور برای تدریس در یک ترم ۴ ماهه یعنی حدود ۴۰ جلسه، در نظر گرفته شده است. از مهمترین ویژگی‌های این کتاب وجود تمرین‌های بسیار در پایان هر

درس است. هر چند ممکن است صرف وقت زیاد برای حل تمرین‌ها از نظر زبان‌آموزان خسته کننده باشد اما نوشتن تنها با زیاد نوشتن تقویت می‌شود. امید است این کتاب بتواند در کنار توجه ویژه‌ی استادان و تلاش و پشتکار زبان‌آموزان به بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی کمک کند.

بخش اول نگارش

این جملتهای موضوعی در هر متن می‌آیند. جملتهای حمایت‌کننده نام دارند. این جملتها در باره‌ی جملتهای موضوعی توضیح بیشتری می‌دهند. هیچ جملتهای در متن نباید بدون ارتباط با موضوع باشند.

الف - جملتهای موضوعی مربوط به هر متن را از بین گزینه‌ها انتخاب کنید.

جمله‌ی موضوعی

درس اول

جمله‌ی موضوعی

جمله‌ی موضوعی

اولین جمله‌ی هر متن جمله‌ی موضوعی نام دارد. این جمله، جمله‌ی اطلاع‌رسانی است که درباره‌ی موضوع کلی متن مطلبی را بیان می‌کند. البته هر متن از تعدادی بند تشکیل شده است که جمله‌ی اول هر بند نیز جمله‌ی موضوعی است؛ یعنی درباره‌ی محتوای آن بند به ما اطلاع می‌دهد.

جمله‌های حمایت‌کننده

جمله‌هایی که بعد از جمله‌ی موضوعی در هر متن می‌آیند، جمله‌های حمایت‌کننده نام دارند. این جمله‌ها درباره‌ی جمله‌ی موضوعی توضیح بیشتری می‌دهند. هیچ جمله‌ای در متن نباید بدون ارتباط با موضوع باشد.

تمرین

الف - جمله‌های موضوعی مربوط به هر متن را از بین گزینه‌ها انتخاب کنید.

هر جمله‌ی هر چند ممکن است صرف وقت زیاد برای حل تمرین‌ها از نظر زبان‌آموزان محاسبه‌کننده باشد اما نوشتن آنها با زیاد نوشتن لغت می‌شود. امید است این کتاب بتواند در کنار توجه ویژه استادان و تلاش و پشتکار زبان‌آموزان به بهبود کیفیت آموزش زبان فارسی کمک کند.

راه‌اندازی
مشاوران

۱- یک بالن کوچک که با گاز هلیوم پر شده و در جشن‌ها سوار آن می‌شوند، تا ارتفاع ۱۰ کیلومتر بالا می‌رود. در حالی که یک بالن بسیار بزرگ با ظرفیت حمل یک سرنشین، می‌تواند تا ارتفاع ۳۰ کیلومتر یا حتی بیشتر بالا برود. نمونه‌هایی از بالن‌های تحقیقاتی نیز وجود دارند که دانشمندان آنها را همراه با تجهیزات کامل برای بررسی وضعیت زمین، به هوا می‌فرستند. این بالن‌ها می‌توانند تا ارتفاع ۴۰ کیلومتر صعود کنند.

الف- بالن کمتر از هواپیما استفاده می‌شود.

ب- بالن از دو بخش تشکیل شده است.

پ- ارتفاع صعود بالن‌ها به انواع آنها بستگی دارد.

ت- ظرفیت حمل سرنشین در بالن محدود است.

۲- قسمت زرد تخم‌مرغ «زرده» نامیده می‌شود. زرده تخم‌مرغ در وسط قرار دارد و اطراف آن را سفیده تخم‌مرغ فرا گرفته است. بر روی زرده یک لکه‌ی کوچک سفید رنگ به نام نطفه وجود دارد که جوجه از آن به وجود می‌آید. جنین جوجه در هنگام رشد از زرده و سفیده تغذیه می‌کند. سفیده تخم‌مرغ نقش مهم دیگری نیز بر عهده دارد. این بخش مانند یک بالشتک نرم، جوجه را درون خود محافظت می‌کند.

جمله‌ی موضوعی

الف- سفیده‌ی تخم‌مرغ سرشار از پروتئین است.

ب- هریک از بخشهای تخم‌مرغ نقش مهمی در رشد و تولد جوجه دارند.

پ- تخم‌مرغ حاوی مواد مغذی بسیاری است که برای سلامت انسان مفید است.

ت- زرده و سفیده‌ی تخم‌مرغ بخشی از غذای روزانه‌ی ما را تشکیل می‌دهد.

۳- اتمسفر در زمان‌های بسیار بسیار

دور، هنگامی که سیاره‌ی ما خیلی جوان بود شکل گرفت. پیش از تشکیل لایه‌ی اتمسفر، کوههای آتشفشانی فراوانی بر روی کره‌ی زمین وجود داشت.

با فوران آتشفشان‌ها، بخار آب و سایر گازها که در درون زمین بودند از دهانه‌ی آتشفشان‌ها خارج شدند. بخار آب به ابرهایی عظیم تبدیل شد و ابرها

به صورت باران بر سطح زمین باریدند و اقیانوس‌ها را به وجود آوردند.

گازهای آتشفشانی بر فراز زمین جمع شدند و در طول میلیون‌ها سال بر اثر تغییرات مختلف، به هوایی که امروزه تنفس می‌کنیم، تبدیل شدند.

الف- برخی از سیاره‌ها بسیار جوان هستند.

ب- فوران آتشفشان‌ها سبب نابودی محیط زیست می‌گردد.

پ- بخش بزرگی از کره‌ی زمین پوشیده از آب است.

ت- هوای اطراف زمین اتمسفر نام دارد.

۴- برخی از جانوران کمتر از یک روز زندگی می‌کنند. در حالی که عمر برخی دیگر به ۱۰۰ سال یا حتی بیشتر می‌رسد. میانگین طول عمر اکثر انسان‌ها بین ۷۰ تا ۸۰ سال است. ممکن است جانورانی از یک گونه، طول عمرهای متفاوتی داشته باشند. مثلاً میانگین طول عمر لاک‌پشت بین ۱۰۰-۸۰ سال است اما برخی از لاک‌پشت‌ها بیش از ۱۶۰ سال عمر می‌کنند.

الف- طول عمر جانوران مختلف با یکدیگر متفاوت است.

ب- حدود ۱۰۰ سال قبل جانوران متفاوتی می‌زیستند.

پ- لاک‌پشت‌ها عمر طولانی دارند.

ت- طول عمر انسان‌ها در زمان‌های گذشته کمتر بود.

۵- این اتومبیل در قسمت جلو یک دیگ بخار داشت. آب موجود در این دیگ بر اثر حرارت، گرم و به بخار تبدیل می‌شد و موتور ماشین با کمک نیروی بخار به کار می‌افتاد. سالها بعد انسان برای حرکت اتومبیل، از بنزین استفاده کرد و مخزن ویژه‌ای را برای سوخت آن در نظر گرفت و بدین ترتیب شکل کلی اتومبیل تغییر یافت.

الف- گرما صورتی از انرژی است که می‌تواند باعث انجام کار بشود.

ب- اولین اتومبیلی که به دست بشر ساخته شد ساختمان عجیبی داشت.

پ- اتومبیل از بخشهای مختلفی تشکیل می‌شود.

جمله‌ی موضوعی

ت- یافتن سوخت مناسب یکی از مشکلات صنعت اتومبیل‌سازی بود.

ب- برای متن‌های زیر جمله‌ی موضوعی مناسب پیدا کنید.

۱- استفاده از ماشین در وقت و هزینه صرفه‌جویی می‌کند. مثلاً کاری که قبلاً برای انجام آن به دهها کارگر نیاز بود در حال حاضر با کمک یک نفر انجام می‌شود. بسیاری از ماشین‌ها حتی با دقت بیشتر و خطای کمتر از انسان می‌توانند کار کنند.

۲- هرچه جمعیت بیشتر می‌شود مشکلات زندگی بشر بیشتر می‌شود، زیرا انسان‌ها برای زندگی نیازهای بسیاری دارند ولی امکان فراهم کردن این نیازها برای میلیاردها نفر وجود ندارد.

۳- انسان‌ها برای رسیدن به خواسته‌های خود همیشه با یکدیگر جنگیده‌اند. اگر چه شکل زندگی مردم از گذشته تا امروز تغییر کرده است، اما هنوز هم جنگ برای رسیدن به خواسته‌ها وجود دارد.

پ - جمله‌های موضوعی هر بند متن زیر را بنویسید.

..... مثلاً برای خرید کردن به بازار می‌رود، برای یاد گرفتن علم به مدرسه یا دانشگاه می‌رود و وقتی بیمار می‌شود به

پزشک مراجعه می‌کند و اوقات فراغت خود را در پارک، سینما و جاهای مختلف می‌گذراند.

..... در آن زمان‌ها وسایل نقلیه‌ی امروزی نبود. انسان‌ها برای رفت و آمد از حیوانات اهلی استفاده می‌کردند. به همین دلیل رفت و آمد بسیار طول می‌کشید.

..... ماشین، کشتی و هواپیما مردم را در زمان کوتاه جابه‌جا می‌کند و رفت و آمد بسیار آسان شده است. مردم مسافت‌های بسیار طولانی را به راحتی طی می‌کنند به همین دلیل میزان مسافرتها بسیار زیاد شده است.

..... حوادثی مثل تصادف ماشینها در خیابان، غرق شدن کشتی‌ها در آب و سقوط هواپیماها هر سال باعث مرگ عده‌ی زیادی از مردم می‌شود، اما با رعایت قانون می‌توان از حوادث تلخ جلوگیری کرد.

ت- جمله‌های زیر را به گونه‌ای مرتب کنید که جمله‌ی موضوعی بند مشخص گردد.

- سوخت اتومبیلی که بر آن سوار می‌شویم از نفت گرفته شده است.

- در میان این منابع، نفت از اهمیت خاصی برخوردار است.

- کشتی‌هایی که در دریا حرکت می‌کنند.

- هواپیماهایی که در آسمان پرواز می‌کنند.

جمله‌ی موضوعی

- منابع زیرزمینی از سرمایه‌های گرانبهای هر کشور محسوب می‌شوند.

- و بسیاری از کارخانه‌ها با مواد نفتی کار می‌کنند.

ث- جمله‌های بی‌ربط متن‌های زیر را پیدا کنید.

۱- انسان نخستین بار تصویر خود را در آب دید. بعدها از نوعی سنگ سیاه و شفاف به جای آب برای دیدن خود استفاده کرد. سنگهای گوناگونی در طبیعت وجود دارد. آب و سنگ هیچکدام تصویر خوبی را نشان نمی‌دادند. بعد از کشف فلز، انسان این ماده را برای دیدن تصویر خود به کار برد. فلز تصویر شفاف‌تری را نشان می‌داد. فلزات بر اثر حرارت تغییر شکل می‌دهند. امروزه با استفاده از شیشه و روکش نقره آینه ساخته می‌شود.

۲- سالها پیش بدون علم ریاضی هم مردم حساب‌های ساده‌ای انجام می‌دادند. در مصر باستان مردم برای نشان دادن تعداد حیوانات اهلی خود از سنگریزه استفاده می‌کردند. نگهداری از حیوانات اهلی کار دشواری بود. آنها سنگ‌های ریزی به تعداد حیوانات خود در کیسه‌ای نگه می‌داشتند و وقتی حیوانی می‌مرد، یک سنگ از کیسه کم می‌کردند. جنس کیسه از چرم بود. با پیچیده‌تر شدن زندگی انسان‌ها و روابط آنها، روش‌ها و وسایل دیگری برای حساب کردن لازم بود. وسایل زندگی انسان روز به روز پیشرفته می‌شد. چرتکه اولین وسیله‌ی مکانیکی بود که برای این کار ساخته شد. هنوز هم در برخی کشورها از چرتکه استفاده می‌شود. با پیشرفت علم و دانش، ماشین‌های

حسابگر دقیقی ساخته شد. امروزه پیچیده‌ترین محاسبات را می‌توان در کوتاه‌ترین زمان با کمک انواع ماشین‌های حسابگر انجام داد.

ج- هریک از جمله‌های موضوعی زیر را با پنج جمله‌ی دیگر ادامه دهید.

۱- هوای شهرها روز به روز آلوده‌تر می‌شود.

۲- جوانان آرزوهای بزرگی در سر دارند.

۳- علم پزشکی پیشرفت بسیاری کرده است.

چ- یک متن با پنج بند بنویسد و جمله‌ی موضوعی هر بند را مشخص کنید.

تفاوت نوشتار و گفتار

درس دوم

تفاوت نوشتار و گفتار

برای زبان‌آموز خارجی نوشتن یکی از مهارت‌های دشوار زبانی محسوب می‌شود، به همین دلیل این مهارت آخرین مهارت زبانی است که فرد به آن مسلط می‌شود. ولی زبان‌آموزی که به مهارت صحبت کردن تا حدودی تسلط یافته می‌تواند هنگام نوشتن درباره‌ی هر موضوع، بدون توجه به تفاوت‌های نوشتار و گفتار، دقیقاً همان‌طور که درباره‌ی موضوع صحبت می‌کند، بنویسد و سپس با راهنمایی معلم خود بخش‌هایی را که به تغییر نیاز دارد، بازنویسی کند.

نکته‌ی قابل توجه این است که در نوشتن مقاله، گزارش، خبر و متن‌های علمی از شکل محاوره‌ای اصلاً استفاده نمی‌شود، اما در داستان‌نویسی، وقتی مطلبی را از زبان یکی از شخصیت‌های داستان می‌گوییم، می‌توانیم از صورت محاوره‌ای در نوشتن استفاده کنیم.

صورت محاوره‌ای یا گفتاری زبان با صورت نوشتاری آن تفاوت دارد، اما وقتی متن نوشتاری به صورت محاوره‌ای نوشته می‌شود، تفاوتی بین متن نوشته‌شده و شکل گفتاری آن وجود ندارد. برخی از تفاوت‌هایی که می‌توان برای گفتار و نوشتار نام برد عبارتند از:

۱- بسیاری از واژه‌هایی که در نوشتار به کار می‌رود با صورت گفتاری آن متفاوت است. مثلاً:

نوشتار	گفتار
در	تو / tu /
نیاز داشتن	لازم داشتن
او	اون
فریب دادن	کلک زدن
بلند شدن / برخاستن	پا شدن
ایستادن	وایستادن
چون، برای این که	واسه، آخه
یکدفعه	یهو
مرتب، پی در پی	همش - هی

تفاوت نوشتار و گفتار

۲- ترتیب معمول جمله‌های فارسی «فاعل + مفعول + فعل» است، ولی در گفتار این ترتیب می‌تواند تغییر کند.

- من نامه را نوشتم. (نوشتار)

- نوشتم من نامه رو / نوشتم نامه رو. (گفتار)

نکته: در گفتار اگر فاعل ضمیر باشد می‌تواند حذف شود، وجود ضمیر برای تأکید است.

۳- در گفتار بعضی از حروف اضافه مثل «به» و «در» را می‌توان حذف کرد.

- او به خانه رفت. (نوشتار) - احمد در خانه نبود. (نوشتار)

- اون خونه رفت. (گفتار) - احمد خونه نبود. (گفتار)

نکته: حذف حروف اضافه همیشه ممکن نیست.

- کتاب در کیف است. (نوشتار) - من کتاب را به مریم دادم. (نوشتار)

- کتاب تو کیفه. (گفتار) - من کتابو به مریم دادم. (گفتار)

در دو مثال بالا «در» و «به» را نمی‌توان حذف کرد.

۴- برخی از تفاوت‌های تبدیل صورت نوشتاری به گفتاری قاعده‌مند است:

- حذف «ه» از صورت جمع، یعنی تبدیل «ها» به «ا»

نوشتار	گفتار
کتابها	کتابا
لباسها	لباسا
چشمها	چشما

نکته: در واژه‌هایی که به صدای /e/ ختم می‌شوند «ها» در نوشتار و گفتار تغییر نمی‌کند.

مثال: نامه‌ها، خانه‌ها، پنجره‌ها

- تبدیل صدای «آ» به «او» در برخی واژه‌ها

نوشتار	گفتار
آمدن	اومدن
خانه	خونه
آن	اون
آنقدر	اونقدر

تفاوت نوشتار و گفتار

الف- پنج واژه بنویسید که شکل گفتاری و نوشتاری آن متفاوت است.

ب- درباره‌ی موضوعی با دوست خود صحبت کنید. آنچه گفته‌اید را به همان زبان محاوره‌ای بنویسید.

پ- تمرین شماره‌ی قبل را به صورت غیرمحاوره‌ای بنویسید.

ت - کلمات محاوره‌ای را که به غلط در متن‌های علمی زیر نوشته شده پیدا کنید و کلمات مناسب را به جای آنها قرار دهید.

۱- ما برای رشد کردن و سالم موندن غذا لازم داریم. غذا ما رو گرم نگه می‌داره و انرژی لازم برای کار کردن رو به ما می‌ده؛ اما بدن نمی‌تونه غذا رو به همون شکلی که هست مصرف کنه. غذا باید اونقدر خرد بشه که بتونه وارد خون بشه و خون اونو به همه جای بدن برسونه. وقتی غذا به قسمت‌های کوچیک تبدیل بشه، به طوری که بتونه وارد خون بشه می‌گیم غذا گوارش پیدا کرده.

۲- وقتی تعداد زیادی از مردم تو یه جا زندگی می‌کنن، زندگی خیلی مشکل می‌شه. تو بعضی جاها، جمعیت اینقدر زیاده که غذای کافی یا مسکن برای همه نیست. خیلی از خانواده‌ها برای پیدا کردن کار و مسکن به شهر می‌رن. اینجوری، هر چی آدمای بیشتری مهاجرت می‌کنن شهرها شلوغتر می‌شن و خونه‌های بیشتری باید ساخته بشه. شهر گسترش بیشتری پیدا می‌کنه، خونه‌ها، کارخونه‌ها و جاده‌ها جای زمینهای کشاورزی رو می‌گیرن. وقتی که جمعیت

جهان زیاد می‌شه، زمین کمی برای کشاورزی می‌مونه و در نتیجه مواد غذایی کمی تولید می‌شه و عده‌ی زیادی از مردم دنیا گرسنه می‌مونند.

۳- خیلی از جانوران دیگه هم مثل زنبورعسل، بعد از پیدا کردن غذا باید راه خونوی خودشون رو پیدا کنن. بعضی از اونا از سنگا، درختا و بقیه‌ی علائم زمینی برای تعیین محل لونه‌ی خود کمک می‌گیرن. بعضی‌ها هم با ترشح مواد شیمیایی راه بازگشت به لونه‌رو علامت‌گذاری می‌کنن.

بیشتر جانوران طی دوران زندگی از جایی به جای دیگه حرکت و یا مهاجرت می‌کنن. بعضی‌ها هیچ وقت به همون جای قبلی برنمی‌گردن و بعضی‌ها هم با یه زیرکی خاص مسیر خودشونو حس می‌کنن و بعد از ماه‌ها و سال‌ها به همون محلی که قبلاً بودن برمی‌گردن.

ث - متن‌های زیر بخشی از داستان‌های کوتاهی است که به زبان محاوره‌ای یا گفتاری نوشته شده متن را بخوانید و سپس آن را به صورت نوشتاری بازنویسی کنید.

۱- قبل از این که معلم بیاد تو کلاس، مرتضی اومد تو. زخمی شده بود. یه تیکه چسب زخم یه وری چسبیده بود رو پیشونیش. آروم رفت نشست سر جاش. با هیشکی حرف نزد. چن دقیقه بعد آقا معلم اومد. تا چشمش افتاد به مرتضی تعجب کرد. آخه مرتضی ساکت‌ترین شاگرد کلاس بود و اصلاً اهل دعوا نبود.

تفاوت نوشتار و گفتار

۲- نگار بی‌صدا گریه می‌کرد. سرشو انداخته بود پایین و به ورقه‌اش نگاه می‌کرد. صبح توی حیاط مدرسه هم که همه با هم حرف می‌زدن، اون یه گوشه وایستاده بود و با هیشکی حرف نمی‌زد. اون بیشتر وقتا همین جوریه، واسه‌ی همین کسی نمی‌خواد باهاش دوس بشه. هر وخت خانوم ازش درس می‌پرسه، بلد نیس. تو چشای خانوم زل می‌زنه و هی انگشتاشو فشار می‌ده.

ج - متن‌های زیر به زبان نوشتاری است، آنها را به صورت گفتاری بنویسید.

۱- قلبم به شماره می‌افتد. رنو آرام آرام جلو می‌آید تا این که زیر درخت‌های کاج می‌ایستد. شیشه‌ی جلویش آفتاب را در چشم منعکس کرده، طوری که درونش را اصلاً نمی‌توانم بینم. تمام تنم بی‌اختیار سست می‌شود. نمی‌دانم چرا این طوری شده‌ام. احساس می‌کنم سرنوشت همه‌ی کارهایمان الان می‌خواهد مشخص شود. لحظاتی می‌گذرد اما کسی از ماشین پیاده نمی‌شود. بچه‌ها در گوش یکدیگر پچ‌پچ می‌کنند. لحظات برایم به سختی می‌گذرد. در ماشین به آرامی باز می‌شود و لحظاتی بعد یکی بیرون می‌آید. تمام تنم به یکباره گرم می‌شود. اشک از چشمانم بیرون می‌زند.

۲- کتانی‌هایم را پوشیدم و راه افتادم. هنوز از در خارج نشده بودم که چشمم به انباری افتاد! قفل آن باز بود. بی‌اختیار قلبم به تپش افتاد. آهسته به داخل اتاق نگاه کردم. همه مشغول بودند. بی‌صدا به طرف انباری رفتم. دعا می‌کردم که کسی از اتاق بیرون نیاید. در را باز کردم. انباری پر از وسایل مختلف بود.

باید در بین آن همه وسایل، ساک را پیدا می‌کردم. از زیر تخت شروع کردم. آنقدر تاریک بود که چیزی دیده نمی‌شد.

بازنویسی متن

درس سوم بازنویسی متن

یکی از ساده‌ترین راه‌های تمرین نگارش بازنویسی متن است. برای این کار می‌توانید متن مناسبی را انتخاب کنید و با تغییر زمان و شخص، آن را به شکل تازه‌ای بنویسید. حتی با تغییر واژگان متن و استفاده از واژه‌های هم معنا نیز می‌توان متن را بازنویسی کرد. به این ترتیب لذت نوشتن متن خوب را از همان آغاز زبان‌آموزی تجربه می‌کنید.

تمرین

الف- با انجام تغییرات خواسته شده متن‌های زیر را بازنویسی کنید.

۱- بندهای زیر را از زمان حال به زمان گذشته تغییر دهید.

- از همه‌ی کوچه‌های اطراف مردم می‌ریزند وسط خیابان و رفته رفته زیادتر می‌شوند. ناگهان یک جیب نظامی سر رسیده، جلوی مردم می‌ایستد. تعدادی سرباز از داخل آن پایین پریده، اسلحه‌هایشان را می‌گیرند رو به مردم. دو نفر

می‌دوند تو کوچی ما و با رنگ روی دیوار شعار می‌نویسند. هوا تاریک است و نوشته‌هایشان دیده نمی‌شود.

- خیابان خلوت است و آسمان گرفته. ابرهای بارانی کوچه و خیابان را غم‌آلود کرده‌اند. نمی‌دانم کجا بروم. دلم حسابی گرفته. یاد خانه می‌افتم. دیگر دارم دیوانه می‌شوم. دلم برای بچه‌ها تنگ شده. چشمانم می‌سوزد. یک‌دفعه به خودم می‌آیم، اشک‌هایم را پاک می‌کنم تا کسی نبیند. به مدرسه می‌روم. در بسته است و خیابان سوت و کور. اصلاً انگار امروز همه جا را غم گرفته است. یک ماشین از دور می‌آید. از جلوی مدرسه کنار می‌روم. ماشین نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و جلوی مدرسه می‌ایستد. دست‌هایم را از جیبم درمی‌آورم و می‌دوم.

۲- بندهای زیر را از زمان گذشته به زمان حال تغییر دهید.

- شب از راه رسیده بود. آسمان پر از ستاره بود. ماه از لای شاخ و برگ‌های چنار، بالا می‌کشید. رضا سیگاری روشن کرد و از کوچه پس کوچه‌های نیمه‌تاریک به طرف مسجد رفت. بغض گل‌ویش را گرفته بود. دلش می‌خواست گریه کند. جلوی مسجد که رسید، ایستاد و به گلدسته‌هایی که توی آسمان قد کشیده بودند، نگاه کرد. از در مسجد که تو رفت، احساس سبکی کرد. کفش و جورابش را در آورد و وضو گرفت. از لای جمعیت راه باز کرد و کنار پیرمرد ریز نقشی نشست.

بازنویسی متن

- بعضی از صبح‌ها که از خواب بیدار می‌شدم، برای چند لحظه‌ی کوتاه نمی‌توانستم اتاق قدیمی‌ام را به جا آورم. نمی‌دانستم کجا هستم. بعد که چشمم به پرده‌های رنگ و رو رفته می‌افتاد، همه چیز را به یاد می‌آوردم. باور می‌کردم که همین جا هستم. همین جا روی زمین.

۳- زمان و شخص بندهای زیر را به طور همزمان تغییر دهید.

}	اول شخص جمع به سوم شخص جمع
	اول شخص مفرد به سوم شخص مفرد
	زمان گذشته به حال

- اتوبوس را به این دلیل انتخاب کرده بودیم که ارزان‌تر بود. من کنار پنجره نشسته بودم و پدر روی صندلی بغل دست من. همسفرهایمان آدم‌های شلوغ و شادی بودند. من و پدرم از همه اخم‌تر بودیم. من به منظره‌های بیرون چشم دوخته بودم و پدر هم که مرا این قدر ساکت می‌دید، سعی می‌کرد با جوان‌های پشت سرمان صحبت کند.

}	زمان گذشته به حال
	اول شخص مفرد به سوم شخص مفرد

- از خواب که بیدار شدم، همه جا تاریک بود. از پنجره‌ی بزرگ اتاق، نور شب تو می‌آمد. همه جا ساکت و آرام بود. پدر را صدا زدم. جوابی نیامد.

دنبال کلید برق گشتم. روشنش کردم. رفتم روی لبه‌ی پنجره نشستم. آسمان مثل قیر سیاه بود. پیشانی‌ام را به شیشه چسباندم و به آسمان چشم دوختم، آسمان همان آسمان همیشگی بود.

ب- واژه‌های زیر را جایگزین کلمه‌های مشخص شده‌ی متن کنید و متن را بازنویسی کنید.

بستن - نگاه نکردن - چند دقیقه‌ی بعد - توقف کردن - گردو - روی دیوار - شانه - در آغوش گرفتن - چمدان - مات بردن - درخت - رد شدن - روشنایی پر نور - باد کردن - رفتن

منیر سرش را به پشتی صندلی تکیه داد. چشم‌هایش نیمه باز بود و بی حال به جاده نگاه می کرد. وارد جاده خاکی شدند و پس از چند لحظه جلوی خانه‌ی کوچکی ایستادند. شاخه‌های پر شکوفه‌ی بادام توی کوچه افتاده بود. منیر کیفش را به بازویش انداخت. در عقب را باز کرد و بچه را از روی صندلی بغل زد. مهرداد ساک را برداشت و دست مادر را گرفت. منیر یک لحظه خشکش زد. مردی که کنار جاده دیده بود، از پشت ماشین بیرون دوید. یک لحظه جلویش ایستاد. زیر نور کم سوی چراغ بالای تیر، صورت ورم کرده و چشمان از حدقه بیرون زده‌اش را دید. مرد برگشت و به طرف خانه دوید. شانه‌هایش می لرزید. معلوم نبود می خندید یا گریه می کرد. مرد از لای در نیمه باز وارد خانه شد.

بازنویسی متن

پ- با انجام تغییرات خواسته شده در متن‌های زیر، آنها را بازنویسی کنید.

۱- تغییر منزل به محل کار

در زمستان چند سال پیش به دلیل بارندگی زیاد سقف اتاقشان نم داده بود. نیمه‌های یک شب، که همه خواب بودند، تکه‌های نسبتاً کوچکی از کاهگل سقف فرو ریخت. با صدایی که همه را از خواب پراند. آن تکه کاهگل فروریخته روی هیچ کس نیفتاد. اگر هم می افتاد آن قدر سنگین نبود که جراحت شدیدی وارد کند. با این همه اهل خانه را به قبری وحشت زده کرد که تا چند دقیقه دست و پایشان را گم کردند. نرگس چنان گریه سر داد که همسایه‌ها را از خواب پراند. زبان مریم خانم بند آمد. آقا مصطفی، که در اطاق عقبی خوابیده بود، پرید توی این اطاق و لامپ را روشن کرد. او هم رنگ پریده به نظر می رسید. قلب خود مهدی تاپ تاپ می زد و دست و پایش کمی بی حس شده بود.

۲- تغییر واژه‌ی «قطار» به «اتوبوس»

از جایم بلند می شوم، از راهرو می گذرم و به انتهای واگن می رسم. از حرکت قطار پی می برم که به ایستگاه نزدیک می شویم. ایستگاه کوچکی است. چند مسافر منتظر سوار شدن هستند. مأمور ایستگاه کنار در ورودی ایستاده است. دستم را کنار پنجره‌ای که می توان بالا و پایین کشید می گذارم و پنجره را پایین می کشم و سرم را کمی بیرون می برم مرد جوانی که کیفی در دست

دارد از جلوی مأمور ایستگاه می‌گذرد، چیزی از او می‌پرسد. مأمور با سر اشاره می‌کند. دستش را بالا می‌آورد و ساعتش را نگاه می‌کند و دوباره قطار را نشان می‌دهد. مرد مسافر به طرف دری که من ایستاده‌ام می‌آید. در را باز می‌کند. خودم را کنار می‌کشم، رد می‌شود. دوباره از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم. مأمور ایستگاه در انتظار حرکت قطار چند قدم به طرف ما برمی‌دارد و به من نگاه می‌کند. قلبم از جا کنده می‌شود.

ت- کلمات و عبارات زیر را به جای واژه‌های مشخص شده در متن قرار دهید و متن را بازنویسی کنید.

راه رفتن - پلک بر هم گذاشتن - اتفاقات گذشته - خوب - مدام - توقف کردن - مغز - مختلف - ساکت بودن - نیست - زمانی - به خواب فرو رفتن - خاطره‌ها - هیچ‌وقت - حمله کردن

سعی می‌کنم پلک بر هم نهم، اما برای سکوت و تنها بودن قطار جای مناسبی نیست. مسافرها مرتب سوار و پیاده می‌شوند، قطار در ایستگاه‌های متعدد می‌ایستد و کوچکترین فرصتی برای سکوت باقی نمی‌ماند. می‌دانم که خواب نخواهد برد، تا به حال در هیچ قطار و هواپیمایی نخوابیده‌ام. همین که پلک روی هم می‌گذارم یادها به ذهنم هجوم می‌آورند و خاطره‌ها جلوی چشمم رژه می‌روند.

بازنویسی متن

ث- واژه‌های زیر را با هم معنای آنها در متن جایگزین کنید و با تغییر زمان گذشته به حال، آن را بازنویسی کنید.

در - خوابیدن - تکان خوردن - با وجود این - مزاحم - خیلی

شب داوود توی رختخواب به پشت دراز کشیده بود. از ده دقیقه‌ی پیش که توی رختخواب رفته بود و همین طور به پشت خوابیده بود، حتی یک بار هم جم نخورده بود و با این که خسته بود، چشم روی هم نگذاشته بود. صدای تلویزیون از پشت در بسته می‌آمد، اما مانع خواب او نبود. اتاق چندان تاریک نبود. نور ملایم و بی‌آزاری بود.

ج- با تغییر فعل‌های جمله به فعل امر متن زیر را تغییر دهید.

ماشین خرابم را به تعمیرگاه سپرده بودم و سوار اتوبوس شده بودم تا به خانه برگردم. سرپا ایستاده بودم و دست‌هایم از توی حلقه‌ی پارچه‌ی دستگیره‌ی اتوبوس آویزان بود. اتوبوس ایستگاه به ایستگاه نگه می‌داشت و مردم موقع پیاده شدن به من تنه می‌زدند.

چ- با گذاشتن هم معنی واژه‌های مشخص شده، متن را بازنویسی کنید.
از پله‌ها بالا رفتیم و از پارک بیرون آمدیم. خدا خدا می‌کردم لااقل باران نبارد. از خیابان گذشتیم. یک‌بار همین جا با هم بستنی خورده بودیم. ولی

حالا، این وقت صبح، بستنی فروشی هنوز بسته بود. وارد خیابانی شدیم که سربالایی تندی داشت. همه جا مثل قبرستان ساکت بود و فقط تک و توک ماشین ها از کنارمان می گذشتند.

ح- به جای «لوازم زندگی» واژه‌ی «خاطره» را قرار دهید و متن تازه‌ای بنویسد.

هر کسی صاحب مشتی خرت و پرت است که آن را لوازم زندگی می‌نامد. لوازم زندگی من کمی کهنه‌تر از بقیه‌ی مردم است. البته بعضی از آنها. مثلاً جارو برقی‌ام مال بیست و پنج سال پیش است. شش صندلی با روکش آبی کمرنگ که مال ده سال پیش است. چهار پنج تا قالی، یک لباس شویی که بیست و سه سال از عمرش می‌گذرد و یک رادیو ضبط کهنه.

خ- متن را بخوانید:

این طوری که روبرویم _____ تفاوت قدمان را بیشتر _____، رشته‌هایی از موهایش که باز است روی صورت و پیشانی‌اش _____ و مانند کلاف ابریشم روی گردنش را _____، رنگ قهوه‌ای آن که همرنگ چشمهایش است توی نور _____ نگاهم را از او _____، _____ به _____ راهم ادامه بدهم، اما او ول کن نیست. _____ به چشم‌هایش نگاه _____ کنم.

بازنویسی متن

تغییرات زیر را در متن انجام دهید و آن را بازنویسی کنید.

۱- از میان افعال زیر فعل‌های مناسب را در جاهای خالی قرار دهید و تغییرات لازم را انجام دهید.

ریختن - ایستادن - پوشاندن - برق زدن - برگرداندن - حس کردن - مجبور کردن - سعی کردن

۲- سوم شخص را به دوم شخص تبدیل کنید.

۳- زمان حال را به گذشته تبدیل کنید.

حالا این وقت صبح استی ترونی موز بسته بود. وارد خیابان بشستم. ایستادم. دیدم که در آنجا دو نفر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

پس من رفتم و ایستادم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

خلاصه نویسی

۱۳۸۵

کتابخانه را دیدم. دیدم که دو نفر دیگر ایستاده اند. یکی از آن دو نفر گفت: «اینجا ایستاده ای؟» من گفتم: «بله.» او گفت: «اینجا ایستادن ممنوعه است.»

درس چهارم

خلاصه نویسی

خلاصه به معنی کوتاه شده است و خلاصه نویسی یعنی باز نویسی متن به صورت کوتاه شده. مسلماً تمام قسمت های متنی که می خوانیم از اهمیت یکسانی برخوردار نیست و برخی از قسمت های آن موضوع اصلی متن و هدف اصلی نویسنده از بیان آن متن را نشان می دهد. در خلاصه نویسی ما سعی می کنیم تا اصلی ترین و مهم ترین بخشهای متنی را که می خوانیم، انتخاب کنیم.

اهمیت خلاصه نویسی از این جهت است که به ما کمک می کند تا در وقت خود صرفه جویی کنیم. اگر از متن هایی که می خوانیم خلاصه تهیه کنیم، لازم نیست برای یادآوری مطالب (در صورت فراموشی) کل آن متن را بخوانیم، بلکه می توانیم به راحتی به خلاصه ای که تهیه کرده ایم مراجعه کنیم و مطالب مهم را مرور کنیم. این کار بخصوص برای دانشجویان که باید حجم زیادی از مطالب را بخوانند بسیار مفید است.